

The Historical Development of Nowruz Interpretation until the End of the Safavid Period

Habiballah Esmaili*, Jamshid Noroozi**

Abstract

Mythological interpretations of Nowruz have been developed in accordance with the dominant discourses of varied historical periods. By interpretation of Nowruz, we mean the great historical and trans-historical events of each tradition that are identified with the spring equinox in the historical and literary texts concerning Nowruz.

In this article, we have reviewed the financial and administrative functions of the solar calendar which has made it possible for the rituals of Nowruz to continue. Additionally, we have investigated the evidence of the transformation of the interpretation of Nowruz in *The Treatise on the Day of Khordad of the month of Farvardin* written during the reign of Parviz II (r. 590-628 AD), *Āthār al-Bāghīyyah* by al-Bīrūnī (362-440 AH), *Ajāyib al-Makhlqāt* by Zakaria Ibn-Mohammad Qazvīnī (602-682 A.H.), some texts from the middle period of the history of Iran, and ḥadīth narrations from Nowruz-nameh texts of the Safavid period. Afterward, we compared these materials with some Nowruz-nameh books written in Transoxiana.

By a descriptive-analytical method and a comparative approach, we have examined three Sassanid, pre-Safavid, and Safavid interpretations of Nowruz, each of which

* PhD student of history, Payame Noor University, Iran, Tehran (corresponding author),
habibjazani1@student.pnu.ac.ir

** Associate Professor of History, Alzahra University, Tehran, Iran, j.noroozi@alzahra.ac.ir

Date received: 2022/10/08, Date of acceptance: 2022/12/16



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

peculiarly considered Nowruz to be identical to historical and trans-historical events of the past and future.

Keywords: Nowruz-nameh, Transoxiana, Āthār al-Bāghīyyah, Ajāyib al-Makhlūqāt, The Treatise on the Day of Khordad of the month of Farvardin, Mu'allā ibn-Khunays

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه

حبیب اله اسماعیلی*

جمشید نوروزی**

چکیده

تفاسیر و تعبیر اساطیری از نوروز، به تناسب گفتمان حاکم بر دوره‌های مختلف تاریخی تطوّر یافته است. منظور از تفسیر از نوروز آن که در متون تاریخی و ادبی مرتبط با نوروز، آغازین روز سال مقارن با رخداد‌های بزرگ تاریخی و فراتاریخی فرض شده است.

در نوشتار حاضر، علاوه بر اشاره به کارکرد مالی و اقتصادی گاهشمار خورشیدی که امکان تداوم سنت نوروز را فراهم کرده است، شواهد تطوّر تفسیر از نوروز در «رساله ماه فروردین روز خرداد» نوشته شده در روزگار خسرو پرویز (حکومت: ۵۹۰-۶۲۸ م.)، «آثار الباقیه عن قرون الخالیه» ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ق.)، «عجایب المخلوقات» ذکریا ابن محمد قزوینی (۶۰۲-۶۸۲ ق.)، متونی از دوره میانه تاریخ ایران و روایات مندرج در چند نوروزنامه نوشته شده در روزگار صفوی جستجو و مقایسه شد. علاوه بر متون یاد شده، این متون با چند نوروزنامه تالیف شده در فرارودان نیز مقایسه شد.

در چارچوب گفتار بالا، با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی مقایسه‌ای، سه تفسیر ساسانی، پیشاصفوی و صفوی از نوروز، که هر یک به گونه‌ای متفاوت از دیگری، فرض تقارن نوروز با رخداد‌هایی تاریخی و فراتاریخی موثر در گذشته و آینده تاریخ را بیان کرده است، بررسی شده است.

* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، habibjazani1@student.pnu.ac.ir

** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، j.noroozi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵



کلیدواژه‌ها: «نوروزنامه»، «فرارودان»، «آثارالباقیه»، «عجایب المخلوقات»، «رساله ماه فروردین روز خرداد»، «معلی بن خنیس»

۱. مقدمه

از میان پرشمار عناصر هویت ایرانی، توجه به سنن و آیین‌های نوروزی و بازآرایی تفسیر نوروز در افق قرائت صفویان از تشیع چشمگیر است. مقصود سخن در این نوشتار آن که نوروز به مثابه سنتی دیرپا در گذر اعصار و قرون، تفسیری واحد نداشته است و می‌توان دست کم سه تفسیر از نوروز را به تناسب روزگار ساسانی، روزگار پیشاصفوی و عهدصفوی شناسایی کرد و از تطور تاریخی آن سخن گفت. مرور کوتاه بر تفسیرهای متفاوت از نوروز در متنی منتسب به روزگار ساسانی، متون و منابع ادبی و تاریخی بعد از اسلام، نوروزنامه‌های عهد صفوی و نوروزنامه‌های نوشته شده در فرارودان تطور تاریخی تفسیر از نوروز را نشان می‌دهد. به دیگر سخن، نوروز در در ادامه تحولات تاریخی پیشین، در افق تاریخی دوره‌های مختلف بازآرایی شده و متناسب با گفتمان حاکم بر آن روزگار تفسیری دیگر پیدا کرده است. وجه بارز این بازآرایی را در نوروزنامه‌های روزگار صفوی می‌توان یافت که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. ناگفته نماند که سنن و آیین‌های نوروزی به سبب کارآمدی گاهشماری در سنت‌های اداری ایران زمین، با سال مالی رابطه وثیقی داشته است. از هرسو که به چهار کارکرد نوروز، یعنی: کارکرد اداری، کشاورزی، اساطیری و آیینی بنگریم، به مهمترین کارکرد نوروز یعنی سال مالی می‌رسیم که البته تحقیق درمورد آن پرشمار است. در مدخل نوشتار حاضر، به قدر ضرورت به آن توجه خواهد شد.

همان گونه که در آغاز سخن آمد، از میان کارکردهای سه‌گانه و تفسیر و تعبیر اساطیری از نوروز، در مقاله کنونی وجه اساطیری آن مورد توجه قرار گرفته است که در تفاسیر متفاوت از نوروز متجلی شده است. در نوشتار حاضر، برای تشریح سخن و یافتن گواه این مدعا مطرح، ابتدا شواهدی از رساله «ماه فروردین روز خرداد» بررسی شد. سپس شواهدی از تلقی نوروز در تعدادی از متون تاریخی و ادبی بعد از اسلام یافته شد. شواهد تفصیلی از نوروزنامه‌های عهد صفوی، بخش اصلی نوشتار کنونی است. حاصل این بررسی، با مفاهیم مندرج در چند نوروزنامه رایج در دیگر حوزه فرهنگی نوروز یعنی فرارودان مقایسه شد که نتایج آن گواه وجود گونه‌ای خاص از نوروزنامه‌نگاری در ایران روزگار صفوی است.

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه (حبیب اله اسماعیلی و جمشید نوروزی) ۵

۱.۱ مدعا، پرسش‌های پژوهش و روش پژوهش

تفسیر متفاوت از نوروز، متأثر از گفتمان حاکم است. وجود دست کم سه گونه تفسیر از نوروز در سه دوره پیشااسلامی، پیشاصفوی و صفوی تأثیر گفتمان حاکم و تطور تاریخی تفسیر از نوروز را نشان می‌دهد. از طریق مقایسه و تطبیق نکات یاد شده، مدعای گفتار حاضر با توجه به این پرسش‌ها به آزمون گذارده خواهد شد:

۱. آیا تطور تاریخی تفسیر نوروز در ادوار مختلف تاریخی با بررسی اجمالی متون باقی‌مانده از روزگار ساسانی، عهد پیشا صفوی و زمانه صفویان، قابل ردیابی است؟
۲. مهمترین تفاوت‌های نوروزنامه‌های عهد صفوی با متون و گزارش‌های تاریخی مرتبط با نوروز و نوروزنامه‌های پیش از خود و دیگر نوروزنامه‌های حوزه تمدنی و فرهنگی نوروز چیست؟

با هدف کشف تبار تاریخی، تصور تقارن نوروز با روزهای بزرگ و با توجه به مسئله و سوال‌های این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی، با رویکردی مقایسه‌ای اتخاذ شد و برای گردآوری اطلاعاتی که بتواند مدعای نوشتار حاضر را به سنجش بگذارد به متون تاریخی و ادبی و نسخ خطی مرتبط مراجعه شد.

۲.۱ پیشینه پژوهش

درباره نوروز، آیین‌ها و مراسم نوروزی، کارکردهای مالی، سنت‌های گاهشماری مرتبط و ... آثار متنوعی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه در داخل و خارج از ایران تالیف شده است. تنوع و تعدد آثار منتشر شده در این حوزه به حدی است که خود می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد. به سبب آن که تطور تاریخی تفسیر اساطیری از نوروز و به واقع یافتن تبار محتوای نوروزنامه‌های عهد صفوی، کانون اصلی نوشتار حاضر و گرانگاه نوروز نامه‌های عهد صفوی روایت مشهور معلی بن خنیس است که نوروز را مصادف با روزهای بزرگ شیعی فرض می‌کند، در پیشینه پژوهش حاضر نیز آثار مکتوب مرتبط با این موضوع مورد توجه قرار گرفت. محمد مهدی خالصی‌زاده ملقب به «الامام الخالصی» در کتاب «النوروز» که به زبان عربی است و در کاظمین منتشر شده است، با اشاره به روایت اوستایی تقارن نوروز با روزهای بزرگ تاریخی و اساطیری، همزمان فرض کردن نوروز با روزهای بزرگ تاریخی و اساطیری را در شمار دسیسه‌های مجوس دانسته است. وی در کتاب خود حدیث معلی بن خنیس را

ضعیف‌السنند ارزیابی کرده است و با تعجب از غفلت علامه مجلسی در خصوص همزمان تصور نمودن نوروز با روزهایی مانند بعثت و غدیر و... آن را غیرعقلانی می‌شمارد و بیان می‌کند که این تصورات با روزهای مورد عنایت شیعیان که منطبق بر گاهشماری قمری است، در تباین است. به باور خالصی‌زاده حدیث معلی بن خنیس در اساس سخنی مجوسی است. (خالصی‌زاده: ۱۹۵۷: ۱۶-۱۷) عبدالامیر سلیم در مقاله «نوروز در کتاب‌های مذهبی شیعه و بررسی ریشه‌های آن» با رویکردی غیر تاریخی، احادیث مختلف شیعی در باب نوروز را نقل کرده است. نویسنده این مقاله با اشاره‌ای گذرا به متن از بندهش که حاوی تقارن نوروز با روزهای بزرگ تاریخی و اساطیری است، معتقد است، امکان دارد این موضوع حاصل القائات زرتشتیان جدیدالاسلام باشد. (عبدالامیر سلیم: ۱۳۴۹، ۴۳۶) محمد جواد خراسانی در «تاریخچه نوروز» سندیت حدیث معلی بن خنیس را زیر سوال برده است. وی در وجود این حدیث در مصباح شیخ طوسی تردید کرده و معتقد است اگر علامه مجلسی به صحت این بخش از کتاب یقین داشت، به آن اشاره می‌کرد. خراسانی معتقد است حدیث معلی سندیت ندارد، زیرا در اصول کافی نیست. (خراسانی: ۱۳۶۰: ۱۹) سید جواد مدرسی در مقاله «نوروز در تاریخ و اسلام»، ضمن اشاره به ضرورت احترام به سنن نوروزی به دلایل عقلی، روایات نقلی مشهور شیعی در مورد نوروز را به بحث کشیده و در سندیت آنها تشکیک کرده است. مدرسی نیز معتقد است همزمان فرض کردن روزهای بزرگ شیعی با نوروز به سبب ناهمخوانی گاهشماری قمری و شمسی، نارواست (مدرسی: ۱۳۶۶، ۱۱۴ و ۱۱۵). در مقاله «نوروز در فرهنگ شیعه» نوشته رسول جعفریان، گزارش مفصلی از نوروزنامه‌ها آمده است. جعفریان موضوع نوروز در منابع روایی شیعی و اهل سنت بررسی کرده و درباره سندیت حدیث مشهور معلی بن خنیس مفصل نیز بحث کرده است. وی که سلسله روایت معلی ابن خنیس را تا ابن فهدحلی ردیابی کرده، آورده که این روایت پیش از او در منابع کهن شیعی نیست و لذا احتمال جعل آن تقویت می‌شود. مقاله جعفریان نیز بخش‌هایی از رسالات نوروزی که تقارن نوروز با روزهای بزرگ شیعی را ناممکن می‌داند، آورده است (جعفریان: ۱۳۷۶، ۲۱۰). حبیب زمانی محبوب نیز در مقاله: «بازخوانی سند نوروز در روایات اسلامی» نتیجه گرفته است که گفتار معلی ابن خنیس قولی منجمانه است و با گفتار امام معصوم (ع) سازگار نیست. نویسنده افزودن ادعیه و مناسک نوروزی به تناسب روزگار صفوی را ناشی از ایدئولوژی غالب بر این دوره دانسته است. محبوب از بررسی نسخه‌های مصباح و مختصر آن و کتاب‌هایی که از آن دو نقل کرده‌اند، نتیجه می‌گیرد که این حدیث جزو متن کتاب شیخ طوسی نیست؛ مختاری با

اشاره به اینکه این حدیث در نسخه‌های کهن‌تر نیست و نیز با لحاظ این که این روایت در خاتمه کتاب وجود ندارد، این گونه جمع بندی می‌کند که حدیث غیرمستند را کاتب یا مالک نسخه به آخر کتاب افزوده است. (محبوب: ۱۳۷۹، ۲۸) محمد بشیری در مقاله «راز ماندگاری نوروز در دوره ایران اسلامی» با اشاره به تقارن زاد روز زرتشت با نوروز، از تقدس نوروز در ایران پیش از اسلام سخن به میان آورده است. وی در این مقاله از تقارن نوروز با غدیر و ظهور حضرت حجت (عج) نیز سخن گفته و راز ماندگاری نوروز را در پیوند آن با مساله خلقت و ظهور حضرت مهدی (عج) و تناسب آن با زمان ظهور موعود زرتشتیان دانسته است. (بشیری: ۱۳۸۵، ۳۱) محمد حسین طهرانی مشهور به «علامه طهرانی»، هم در شمار کسانی است که در کتاب «نوروز در جاهلیت و اسلام» سندیت روایت معلی بن خنیس را رد کرده‌اند. به گفته طهرانی برای او مسلم شده که این روایت، جعلی است و سندی که بتواند آن را به امام (ع) برساند وجود ندارد. به گفته او در نسخه اصل مصباح شیخ طوسی این روایت مفقود است و از سوی ناسخ مصباح المجتهد افزوده شده است. وی همین مسأله را عاملی می‌داند که همه را به اشتباه انداخته و تصور می‌کند که از خود شیخ است. طهرانی هم بر ناهمخوانی حدیث معلی بن خنیس با ایامی که مقارن با نوروز فرض شده و ناهمخوان با گاهشماری قمری است، تاکید دارد. (طهرانی ۱۳۹۲: ۱۲۳ و ۱۷۴) «حدیث النوروز فی کلام العلامة ابن فهد الحلی» نیز به قلم رضا مختاری به نگارش درآمده است. نویسنده با تکیه بر اصول تحقیقات حدیثی، به صراحت حدیث معلی بن خنیس را جعلی دانسته و آن را افزوده نساخان به «مختصر المصباح» شیخ طوسی می‌داند. به نظر رضا مختاری، این حدیث در هیچ یک از متون حدیثی قبل از ابن ادریس نیست و به نسخه خطی «مختصر المصباح» شیخ طوسی افزوده شده است. (مختاری: ۱۳۹۵، ۴۸) مهدی مهریزی در مقاله «نوروز در روایات اسلامی» روایات موافق و مخالف نوروز و بخش‌هایی از نوروزنامه‌های مختلف از جمله روایت معلی بن خنیس را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که با توجه به شواهد مختلف و امور دیگر، نوروز را در دوره اسلامی از شعائر مجوسی دانستن، سخنی ناصواب است؛ چنان که آن را ترویج آیین آتش‌پرستان انگاشتن نیز واقعیت خارجی ندارد. گذشته از اینها در روایات اسلامی و سخن فقیهان، فضیلت روزه نوروز مطرح است و اقتضای قواعد عمومی دینی، عدم مخالفت با نوروز است. (مهریزی: ۱۳۷۹، ۲۱ و ۳۱) علاوه بر آثار بالا، دو مقاله که به معرفی نوروزنامه‌های ماقبل صفوی و روزگار صفوی پرداخته‌اند، در شمار پیشینه پژوهش حاضر می‌تواند مورد توجه باشد. «بررسی نوروزنامه‌ها در عصر اسلامی (تا سده نهم هجری)» را مریم اورعی قدیری و

عبدالرحیم قنوت تالیف کرده‌اند. در این مقاله آمده که نگارش نوروزنامه‌ها از سده دوم هجری آغاز شد و در سده سوم و چهارم هجری به اوج رسید. مواردی مانند: آیین پادشاهان ایران در برگزاری نوروز، تقویم بر اساس نوروز ایرانی و حل مشکل نامتناسب بودن زمان گردآوری خراج، علل برپایی جشن‌های ایرانیان، اشعار و آداب و رسوم نوروزی، پیامد قرار گرفتن نوروز در هر یک از روزهای هفته و بیان احکام فقهی نوروز در نوروزنامه‌ها آمده‌است. از هفده نوروزنامه که نامشان در منابع مختلف ثبت شده، اکنون تنها پنج اثر در دسترس است. (اورعی و قنوت: ۲۲۶-۲۲۷) در مقاله «نوروز و نوروزیه نویسی در عصر صفوی» تالیف زهره زرشناس و محسن جعفری، ویژگی زمانی و زبانی نوروزنامه‌ها، ادعیه و فضایل نوروز در نگاه نوروزنامه‌نویسان مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله نه رساله نوروزنامه باقی مانده از روزگار صفویان معرفی و توصیف شده‌است. زرشناس و جعفری، تعیین روز شرعی نوروز، آیین‌ها و اعمال نوروز از منظر فقه تشیع، پوشاک و خوراک مناسب نوروز و طالع‌بینی را در شمار موارد پربسامد نوروزیه‌ها دانسته‌اند. به نظر نویسندگان مقاله پاسخ به دغدغه ایرانیان باورمند به مبانی دینی، اصلی‌ترین عامل نگارش نوروزنامه‌ها بوده است. (زرشناس و جعفری: ۱۳۹۱، ۷۳ و ۶۶) وجیهه میری و مصطفی پیرمردیان در مقاله «تحلیل تاریخی مقارن سازی جشن نوروز و غدیر در عصر صفوی» از منظر نقش نوروز در شکل‌گیری هویت ملی، به موضوع پرداخته‌اند. در این مقاله آمده است که صفویان با هدف تحکیم هویت سیاسی خود، نوروز را به مثابه نماد اتحاد ملی با رونق و شکوه فراوان برگزار می‌کردند. به نظر آنان، پیوند نوروز و عید غدیر، هویت ایرانی و شیعی عصر صفوی را نشان می‌دهد. نویسندگان شواهد این مدعا را در روایت معلی بن خنیس، نقل شده در بحارالانوار و نوروزنامه‌های نوشته شده در عصر صفوی که موضوع نوشتار حاضر نیز هست، یافته‌اند. مقابله با عثمانی‌ها و منافع مالی حاصل از آیین نوروزی نیز در شمار دیگر عواملی است که برای بزرگداشت نوروز در روزگار صفویان ذکر شده‌است. مولفان شواهد متنوعی از منابع ادبی و سفرنامه‌های نوشته شده در روزگار صفوی را در تایید مدعای خود آورده‌اند (میری و پیرمردیان: ۱۳۹۸، ۵۴ و ۶۶).

به رغم کوشش ارزشمند نویسندگان آثار بالا، به ویژه کوشش ارزنده در اثبات نامستند بودن حدیث معلی بن خنیس، به تبار موارد مطرح شده در روایت اشارتی نشده است و رویکرد تاریخی به موضوع نداشته‌اند. در دو مورد نیز کوشش برای یافتن مشابهت میان این متن و متنی از دوره ساسانی به صورتی کاملاً گذرا مطرح شده‌است. همچنین در هیچکدام از نوشته‌های یادشده، به متنی که نشان دهد در دوره میانی تاریخ ایران نیز متونی بوده است که تفسیری

موافق با اسلام از نوروز را گواهی دهد، نیامده است. دو ویژگی یاد شده باعث شد که در نوشتار حاضر علاوه بر رویکرد تبارشناسانه، سنخیت تفسیر نوروز با گفتمان حاکم در سه دوره کلان تاریخی یعنی: روزگار پیش از اسلام، قرون میانه و عهد صفویان نیز در حد مقدور ادامه این مقاله، مورد بررسی قرار گیرد.

۲. پیوند نوروز با سال مالی

در آغاز سخن آمد که نوروز واجد کارکردهای گوناگونی از جمله سامان بخشیدن به سال مالی است که در اداره کشور کارآمد است. بنابه نظر اغلب محققان این کارکرد در تداوم سنت نوروز نقشی ویژه داشت. به سبب آنکه در سنت دیوانی روزگار ساسانی، انتظام سال مالی براساس گاهشماری خورشیدی انجام می گرفت. (اشرفی، ۱۳۹۳: ۲۹) دیوانسالاران ایرانی در روزگار اموی و عباسی که تداوم دهنده سنت های دیوانی ساسانیان بودند، برای انجام امور مالیاتی از گاهشماری خورشیدی استفاده می کردند. این گاهشماری در نظام مالیاتی کارآمد بود و به «گاهشماری خراجی» نیز شهرت داشت. (مردوخی، ۱۳۹۸: ۱۵۹ و ۱۶۰) بی دلیل نیست که به واسطه بهره مندی از گاهشماری خورشیدی در انتظام امور خراجی، برخی از خلفا از جمله معتضد عباسی در اصلاح آغاز سال خراجی کوشش کردند. در این فرایند عینی، طبیعی و بدیهی می نمود که دیوانیان ایرانی تبار برای احیای سنت های نوروزی و ادبیات و متونی که جایگاه نوروز در جهان شناسی پیش از اسلام را توضیح دهد، کوشش کنند. اورعی و قنوتی در مقاله «بررسی نوروزنامه ها در عصر اسلامی (تا سده نهم هجری)»، به تفصیل و دقت این متون را معرفی کرده اند. تمامی این کوشش ها، در عمل زمینه را برای بازآرایی تفسیر نوروز در افق جهان شناسی اسلامی، ممکن کرد که آن را در سطور آتی مشاهده خواهید کرد.

۱.۲ آیین های نوروزی در روزگار صفویان

سنن، مراسم و آیین های نوروزی به مثابه یکی از عناصر بنیادین هویت ایرانی، از همان آغازین سال تاسیس سلسله صفویه و در طول دوران حاکمیت آنان به طور ویژه مورد حکومت و مردم توجه بود (Boyce. Nowruz I, 2016). منابع تاریخی گزارش های مفصلی از این مراسم را در روزگار صفویان ثبت و ضبط کرده اند. مولف فتوحات شاهی که شاهد عینی مراسم نوروز در روزگار شاه اسماعیل یکم بوده است، می آورد: «شب شب قدر و روز روز عید بودی و آن هر دو به یمن دولت شاه موافق نواز مخالف سوز، چون شب روز نوروز مبارک و سعید

نمودی». (فتوحات شاهی، ۱۳۸۳: ۱۷۷) همچنین در روزگار شاه طهماسب نیز گزارش شده است که: «در ایام نوروز توشقان‌نیل ... با تهیه‌ای که ابنای ملوک را شاید و اهتمامی که از ملوک عظام آید، هفته‌ای چند در خطه تبریز اقداح سور از راح سرور لبریز بود، ... و مدتی به عیش و طرب گذشت». (میرخواند، ۱۲۷۱: ۲۷۱) و همین گونه است دوره شاه عباس یکم: «شهریار جم‌اقتدار به تهیه اسباب جشن نوروزی اشارت فرموده ... در صباح نوروز سلطانی به آن بزم روحانی تشریف حضور ارزانی داشته انجمن افروزی را در آن روز فیروز چون شعشعه آفتاب نورانی بر طاق بلند گذاشت». (خلد برین، ۱۳۷۲: ۲۰۲) یکی از نکات توجه برانگیز در برگزاری مراسم نوروز هنگامی بود که در عهد شاه عباس نوروز با ماه محرم همزمان شد. میرخواند گزارش می‌دهد که:

این سال که سنه یک‌هزار و بیست [هجری قمری] بود تحویل حمل در محرم الحرام اتفاق افتاد و شاه عباس ثواب تعزیه‌داری و اشکباری بر حضرت امام همام حسین بن علی علیه السلام را بر جشن نوروزی رجحان داده، به لوازم سیاه‌پوشی و غم‌اندوزی پرداخت و مقرر فرمود که ترکیب مرثی مولانا محتشم کاشی در کنیه‌های تکایا و سیاه‌ها مرقوم دارند و بر ازدیاد یاد بنیاد تعزیت سبط رسول الثقلین اباعبدالله الحسین علیه‌السلام بیفزایند، و شعرا مدایح و مناقب حیدر کرار علیه‌السلام و مرثی ائمه اطهار علیه‌السلام منظوم و درویشان و ذاکران در مجالس متناسبه انتشار دهند (میرخواند، ۱۲۷۱: ۳۹۵).

ناگفته نماند که شاه عباس از برگزاری نوروز عفلت نکرده به گفته نویسنده عالم ارای عباسی در همین سال:

بعد از فراغ خاطر از لوازم تعزیه و سوگواری که طراوت فصل بهار و ایام فروردین زهت آثار آن بلده جنت‌نشان را حضرت و نصارت بخشید و عنبرین بوی شکوفه و ازهار در دماغ روزگار پیچیده مسرت‌بخش دلها و خرمی‌افزای خاطر همگنان گردید به دستور معهود در باغ نقش جهان امر قضا نفاذ به ترتیب جشن عالی به صدور پیوست (عالم آرای عباسی، ۱۳۱۴: ۵۸۶/۲).

به نظر می‌آید، سخن علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰.ق) در رساله «اختیارات» بتواند در توضیح این که چرا علما عهد صفوی با نوروز توجه می‌کردند، راهگشا باشد. رسول جعفریان در نوشته‌ای منتشرشده در فضای مجازی نظر مجلسی را آورده است:

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه (حبیب اله اسماعیلی و جمشید نوروزی) ۱۱

[برای] همه فرقه مسلمانان به غیر از فرقه شیعه اثنی عشریه ... [برای آنها هم] مبدا حساب از اول این ماه [محرم] است، سال ایشان [یعنی ایرانیان شیعه]، نوروز است و ... این ماه [محرم] و این روز [روز اول محرم] را تعظیم نمی کنند و جشن نمی گیرند، از برای حکایت کربلا (مجلسی، بی تا: ۳۱).

کثرت شواهد در خصوص توجه به نوروز در روزگار صفویان، به حدی است که می تواند موضوع پژوهشی مفصل قرار گیرد. نکته ای که در تحقیقات مرتبط با نوروز در روزگار صفویان اهمیت دارد، این که برای پادشاهان و دیوانسالاران ایرانی آن عهد، کارکرد «سال مالی» برای انتظام بخشیدن به منابع مالی خزانه حکومتی و همچنین بهره مندی از هدایای نوروزی اهمیت داشت. (میری و پیرمردیان: ۱۳۹۸، ۵۴ و ۶۶)

به هر روی، برگزاری نوروز در روزگار صفویان به پشتوانه نظری نیازمند بود که این مهم با تفسیر و بازآرایی نوروز در افق قرائت صفویان از تشیع ممکن شد.

۲.۲ تقارن نوروز با روزهای بزرگ تاریخی در سنت های عهد ساسانی

آگاهی ما به تلقی از نوروز در سنت های ایرانی پیش از اسلام، به «رساله ماه فروردین روز خرداد» باز می گردد که بنا به نظر احمد تفضلی در روزگار متاخر ساسانی و احتمالاً در روزگار خسرو پرویز (حکومت: ۵۹۰-۶۲۸ م) به نگارش درآمده است. (تفضلی، ۱۳۸۳: ۲۹۳) در این متن که تفسیر از نوروز در افق جهان نگری حاکم بر آن دوره را نشان می دهد، تعدادی از روزهای موثر در تقدیر تاریخی ایرانیان مقارن با نوروز فرض شده است. صادق کیا، محمدتقی بهار، احمد تفضلی و سعید عریان، به بررسی و توضیح مندرجات این متن پرداخته اند و کریستن سن نیز به آن اشاراتی دارد. ترجمه ای از این متن در دست است که محمدتقی بهار آن را در کتاب «ترجمه چند متن پهلوی» آورده است. بهار از این متن، با عنوان «ماه فروردین، روز خرداد» یاد می کند. در ترجمه بهار، اورمزد خطاب به زرتشت نوروز را همزمان با روز خلقت جهان، پیدایش هوشنگ پیشدادی، پیامبری زرتشت، ایمان آوردن گشتاسب، مرگ اهریمن، تقسیم کیهان به دست فریدون، کین ایرج، کشتن اژدها به دست سام، کشتن افراسیاب به دست کیخسرو، تیرانداختن آرش، ظهور زرتشت و ... فرض کرده است. (بهار، ۱۳۷۹: ۱۴۴-۱۴۷) احمد تفضلی در «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام»، گزارشی مفصل از این متن با عنوان: «ماه فروردین روز خرداد» آورده است. به گفته او، این رساله شامل چهل و هفت بند است و جملاتی ساده و روان دارد. این رساله، رخداد های وقوع یافته یا محتمل الوقوع عالم در روز

ششم فروردین یعنی نوروز بزرگ را در دو بخش متذکر می‌شود: بخش نخست، شامل (بند ۱ تا ۲۷) رویدادهایی هستند که به وقوع پیوسته‌اند و بخش دوم (بند ۲۸ تا ۴۷)، رویدادهایی هستند که در آینده به وقوع خواهند پیوست. متن با پرسش زردشت از اهورامزدا، شروع می‌شود و اینکه چرا روز خرداد از ماه فروردین، از دیگر روزها بزرگ‌تر و بهتر است. پاسخ‌های هر مزد به زردشت، محتوای متن را تشکیل می‌دهد. پیدایش کیومرث در جهان، سوار شدن تهمورث بر پشت اهریمن، بی‌مرگ شدن جهان به واسطه جم و چندین رویداد دیگر، در شمار رخدادهای به وقوع پیوسته در نوروز است. در بخش دوم متن نیز به رویدادهایی که در آینده به وقوع خواهند پیوست، پرداخته می‌شود؛ مانند: ظهور بهرام ورجاوند، بیرون آمدن پشوتن از کنگ دژ، ظهور سوشیانت و رستاخیز و ... هر بند این رساله موضوع مجزا و واحدی دارد و مستقل از دیگر بندهاست و رویدادها به ترتیب زمانی نوشته شده‌اند و جملات به صورت خبری و کوتاه آمده‌اند و افعال هم به صورت گذشته و آینده در این متن وجود دارند. در مجموع این ویژگی‌ها باعث منحصربه‌فرد شدن این متن شده‌اند. (تفضلی، ۱۳۸۳: ۲۹۳-۲۹۴) کریستن‌سن نیز به اشارت از این متن سخن گفته و آورده‌است که:

یکی از کتب پهلوی نسبتاً جدید، همه حوادث گذشته و آینده را که در نوروز واقع شده و خواهد شد، شرح می‌دهد. یعنی از روزی که اهورمزد جهان را بیافرید و ایام فرخنده‌ای که در تاریخ داستانی مذکور است، تا پایان عمر عالم در آن آمده است. (کریستن‌سن، ۱۳۶۸: ۲۵۰)

سعید عریان به سال ۱۳۷۱ مجموعه‌ای با عنوان «متون پهلوی» منتشر کرد. در این کتاب ۳۲ متن پهلوی درج شده‌است. عنوان یکی از متون پهلوی درج شده در کتاب سعید عریان، «ماه فروردین روز خرداد» است. در این متن مواردی مانند: آفرینش جهان، خلق کیومرث، تولد هوشنگ، دورکردن اهریمن، سلطنت جمشید، تقسیم جهان توسط فریدون، کین خواهی ایرج از تور، کشته‌شدن دیو و اژدها توسط سام نریمان، کشتن افراسیاب و تعیین مرز توسط آرش، آغاز پیامبری زرتشت و ... مقارن با نوروز فرض شده است. (عریان، ۱۳۹۲: ۱۴۰-۱۴۵)

نکته تامل برانگیز در گزارش سعید عریان، حدس وی درباره زمان تدوین این متون پهلوی است. به گفته وی، مجموعه‌ای که یکی از آنها «رساله ماه فروردین روز خرداد» است به سال ۱۳۳۲ میلادی یعنی ۷۳۲ قمری توسط مهربان کیخسرو تحریر شده است. (عریان، ۱۳۹۲: ۱۳) این زمان، مقارن با سال‌های پایانی حکومت ایلخانان و نزدیک به روزگار حیات ابن فهد خلّی

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه (حبيب اله اسماعیلی و جمشید نوروزی) ۱۳

(۷۵۷-۸۴۱ ق) راوی حدیث معلی بن خنیس است که در دوره صفویه به مثابه نقطه کانونی نوروزنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

۳.۲ تلقی از نوروز در روزگار پس از اسلام

تفسیر از نوروز در روزگار بعد از ساسانی بدان صورت که در رساله «ماه فروردین روز خرداد» آمده، تحت تأثیر تحولات فرهنگی و دینی دوره اسلامی، صورتبندی نوینی یافت. در این مقطع تاریخی، اغلب متونی که به نوروز اشاره کرده‌اند، به جز بیرونی در آثارالباقیه، به همزمانی نوروز با پادشاهی جمشید یا کشته شدن ضحاک به دست فریدون اشارت دارند و از سایر مواردی که در متن پهلوی بالا آمده است، خبری نیست. گزارش جاحظ (۱۶۶-۲۵۵ ق.) از نوروز در «محاسن و الاضداد»، در شمار کهن‌ترین گزارش‌های تاریخی نوشته شده در روزگار عباسی است که از چگونگی مراسم نوروز در روزگار ساسانی یاد می‌کند. (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۹۲) جاحظ، بنیان نهادن نوروز را به جمشید و مهرگان را به فریدون منسوب می‌کند و در خلال آن به آیین‌های نوروزی نیز اشاره می‌کند. (جاحظ، ۱۳۲۴ هـ: ۲۳۰). فردوسی نیز از همزمان فرض شدن نوروز با پادشاهی جمشید سخن گفته است:

جهان انجمن شد بر تخت اوی	از آن بر شده فرۀ بخت اوی
به جمشید بر، گوهر افشانند	مر آن روز را روز نو خوانند
سر سال نو، هرمز فرودین	بر آسود از رنج تن، دل ز کین
به نوروز نو شاه گیتی‌فروز	بر آن تخت بنشست فیروز روز

(فردوسی، ۱۳۶۶: ۱ / ۴۱)

بنا به روایت خیام نیز بنیان نوروز به جمشید منسوب و آغاز پادشاهی اوست (خیام، ۱۳۸۵: ۲) این دست تفاسیر نامنتطب با رساله پهلوی یادشده از نوروز را بیرونی در «التفهیم» (التفهیم، ۱۳۵۲: ۲۵۳)، گردیزی در زین الاخبار (زین الاخبار ۱۳۶۳: ۵۱۵) ثعالبی در «شاهنامه» (شاهنامه ثعالبی، ۱۳۸۵: ۷)، ابن بلخی در «فارسنامه» (فارسنامه، ۱۳۷۴: ۱۰۴)، مسعودی در «مروج الذهب» (مروج الذهب، ۱۳۸۲: ۲۱۹/۲)، دینوری در «اخبار الطوال» (اخبار الطوال، ۱۳۷۱: ۲۶)، مقدسی در «البدأ و التاریخ» (آفرینش و تاریخ ۱۳۷۴: ۵۰۰/۲) و ابن اثیر در «الکامل» (الکامل، ۱۳۷۱: ۲۷۰/۱) آورده‌اند.

علاوه بر شواهد بالا، سخنان ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ق) در آثار الباقیه، و ذکریا ابن محمد قزوینی (۶۰۲-۶۸۲ ق) در عجایب المخلوقات به سبب هدفی که در این نوشتار دنبال می‌شود واجد اهمیت بسیار است. در گزارش این دو تن از روزهای بزرگ مقارن با نوروز، تقریری از همنشینی تفسیر نوروز با روزهای سرنوشت‌ساز تاریخی در افق گفتمان حاکم بر قرن پنجم و هفتم هجری آمده است. به گفته بیرونی:

نوروز را دلیل پیدایش و آفرینش جهان [است] ... خداوند، عالم سفلی را در این روز آفرید و کیومرث در این روز به شاهی رسید... و نیز گفته‌اند خداوند در این روز، خلق را آفرید ... ابن عباس نقل می‌کند که ... پیغمبر ... فرمود: آری در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود: عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند. خداوند به آنها گفت بمیرید و مردند، سپس آنان را زنده کرد و ابرها را امر کرد که به آنها ببارد... و گفت: کاش هر روزی برای ما نوروز بود. ... [در این روز] سلیمان بن داود ... پس از چهل روز بار دیگر انگشتر خود را بیافت و پادشاهی و فرماندهی بر او برگشت... ایرانیان گفتند نوروز آمد ... این روز ساعتی است که فیروز فرشته ارواح را برای انشاء خلق می‌راند ... روز هرمزد است که اسم خداوند تعالی است ... جمشید به پادشاهی رسید ... دین را تجدید کرد ... جمشید برای خود گردونه بساخت، در این روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین او را در هوا حمل کردند. (آثارالباقیه، ۱۳۸۱: ۳۲۵-۳۲۷)

همین مضمون را ذکریا بن محمد بن محمد قزوینی در عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات در شرح ماه فروردین آورده و نوشته است که:

روز اول هرمزد را گویند و اول سال است. چنین گویند که افلاک در این روز در حرکت آیند و افلاک و آفتاب و کواکب آفریده شد و عبدالله بن عباس - رضی الله عنه - از پیغمبر - صلی الله و علیه و آله و سلم - روایت کند که فرمود: این روز است که باری تعالی عسکر اختیار کرد. گفتند کدام عسکر؟ یا رسول الله گفت: الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ (عجایب المخلوقات، ۱۳۷۵. ۱۸۲)

کوتاه سخن آن که، پس از سقوط ساسانی و ضمیمه شدن ایران به قلمرو خلفای مسلمان، بخش‌هایی از مفاهیم مرتبط با تقارن نوروز با روزهای بزرگ تاریخی، با گفتمان غالب همنشین شد که این امر، تطور تفسیر از نوروز به اقتضای روزگار پیش از صفویان را نشان می‌دهد. ادامه نوشتار حاضر، گویای آن است که تفسیر نوین از نوروز، پس از روزگار خلافت و متناسب با

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه (حبیب اله اسماعیلی و جمشید نوروزی) ۱۵

فهم شیعیان ایرانی با تکیه بر روایتی منسوب به امام صادق(ع) بازآرایی شد. پیش از روزگار صفویان دو اثر شیعی که اکنون محتوای آن در دست نیست نوشته شد. «ما روی فی یوم النوروز» نوشته نصر بن عامر بن وهب ابوالحسن سنجاری، محدث بنام شیعی و «رسالة فضایل النوروز» صاحب بن عباد، وزیر مشهور آل بویه در قرن چهارم هجری است. احتمالاً روایات شیعی درباره نوروز در این کتاب‌ها آمده اما مضمون آنها برای ما روشن نیست. با توجه به شیعه بودن هردو نویسنده، شاید نویسندگان و راویان روایت معلی بن خنيس از مضمون این دو کتاب بهره برده باشند که صد البته به سبب فقدان منابع داوری در این باب ممکن نیست. هرچه بود، در عهد صفویان تفسیری از نوروز که متناسب با گفتمان حاکم بود، مورد توجه قرار گرفت.

۴.۲ تقارن نوروز و روزهای بزرگ به روایت نوروزنامه‌های عهد صفوی

نخستین نوروزنامه با رویکرد شیعی، در عهد حکومت شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق) نگاشته شد. نوروزنامه دیگری، به روزگار شاه عباس اول نوشته شد. (جعفریان، ۱۳۷۶: ۲۱۲-۲۱۳) از محتوای این دو متن، اطلاعی در دست نیست. نخستین متن کامل نوروزنامه‌ای که از دوره صفویه به دست ما رسیده، متعلق به فقیه محمدتقی بن محمد رضا رازی، که در عهد شاه صفی یکم (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) نوشته شده است. در این نوروزنامه، آمده است که: «ابتدای آفرینش عالم در این روز بوده و از این جهت، این روز را نوروز گفته‌اند.» (رازی، ۳۵۱۱، تهران: ب۱) درباره بنیان نهادن نوروز نیز، آمده است: «جمشید ... این روز را نوروز نام نهاد.» (همان: ب۲) رازی بعد از توضیح مفصل پیرامون بنیان گذاردن نوروز به وسیله جمشید، با استناد به روایت معلی ابن خنيس، مواردی مانند: آفرینش جهان، خلقت آدم، بعثت پیامبر، شکستن بت‌ها توسط حضرت ابراهیم(ع)، روز غدیر خم و نهایتاً ظهور حضرت حجت(عج) را مقارن با نوروز دانسته و آورده است که:

در این روز فیروز، جوهر آفتاب عالم تاب را ... آفریده و در این روز، کشتی نوح - علیه السلام - بر کوه جودی قرار گرفته و در این روز، جبرئیل - علیه السلام - بر حضرت خاتم النبیین - صلوات الله و سلامه و علیه - نازل شد و در این روز بود که حضرت رسول الله - صلی الله علیه و آله -، حضرت علی بن ابی طالب - علیه السلام - را بر دوش مبارک خود جای داد تا بت‌ها از بام کعبه برطرف ساخت و در این روز حضرت ابراهیم - علیه السلام - بت‌ها را در هم شکست و در این روز بود که حضرت علی بن ابی طالب حسب الامر حضرت رسول - صلی الله علیه و آله -، جماعتی از جنیان را [که] از شاهراه

مسلمانی منحرف بودند، به طریق اسلام درآورد و در این روز [نوروز] آن حضرت بر مسند خلافت نشست و در این روز بود که جمعی از خوارج که در غزای صفین از حضرت امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - روگردان شده بودند و آن حضرت بر سر ایشان رفته بود، در نهروان ایشان را به قتل رسانید ... و این روز، ایام ما است. عجم، عزت این روز نگه می‌دارند و شما فرو گذاشته‌اید. تمامی این اقوال را شیخ احمد بن فهد - علیه الرحمه - در کتاب مذهب ذکر کرده و ابن طاووس - علیه الرحمه - می‌فرماید که ابتدای آفرینش عالم در این روز بوده ... (همان: ب ۲-۳)

رضی الدین محمد قزوینی (وف ۱۰۹۶ ق)، دیگر فقیه روزگار صفوی است که درباره مضامین مرتبط با نوروز در رساله خود سخن گفته است. قزوینی که نگاه انتقادی به موضوع نوروز دارد، در ابتدای رساله خود می‌آورد:

در ظاهر قرآن، چیزی در این باب نیست. اماره آن از روایات و اخبار تتبع باید نمود و روایتی که در این باب محل اعتماد تواند شد، روایت ابن فهد - رحمه الله - است که در کتاب مذهب از جعفر ابن محمد صادق - علیه السلام - نقل فرموده و ترجمه آن این است که: روز نوروز، روزی است که پیغمبر - صلی الله علیه و آله - عهد گرفت در غدیر خم به جهت امیرالمومنین - علیه السلام - ... و روزی است که ظفر یافت حضرت امیرالمومنین - علیه السلام - بر اهل نهروان ... و روزی است که ظاهر خواهد شد قائم ما اهل بیت - علیهم السلام - و ظفر خواهد یافت بر دجال ... و هیچ روز نوروزی نیست که ما در او متوقع ظفر نباشیم؛ به جهت آن که از ایام ماست، فرس حفظ آن کرده‌اند و شما ضایع گذاشته‌اید... (رضی الدین قزوینی، ۱۱۴۱۸، ملی: ب ۳-۴)

وی در خاتمه رساله‌اش، با همان نگاه انتقادی می‌افزاید که: «سبب آن را نمی‌دانند مگر راسخان در علم. و این روز، اول از سال فرس است... روز اول سال فرس که صریح خاتمه‌ی حدیث است چنان که با اماره که در صدر حدیث مذکور است، موافق باشد، صعوبتی تمام دارد» (همان: ب ۴)

دیگر فقیه مشهور روزگار صفوی که با نگاهی انتقادی به موضوع نوروز و هم‌زمانی آن با رخدادهای ذکر شده در روایت معلی بن خنیس توجه کرده، محمدباقر بن اسمعیل الحسینی خاتون آبادی (وفات ۱۱۲۷ ق) است. وی نیز با استناد به همان حدیث معلی، به هم‌زمانی نوروز با روزهای موثر در تقدیر تاریخی شیعیان اشاره دارد. مساله خاتون آبادی در رساله نوروزیه، تعیین زمان نوروز مطابق با الزامات شرعی است. وی پس از بررسی اقوال مختلف در

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه (حبیب اله اسماعیلی و جمشید نوروزی) ۱۷

باب تعیین نمودن روز نوروز، نهایت با عباراتی که نشان از پذیرش از سرناچاری است، می‌آورد که:

با وضع این رساله‌ی مختصره، بر نهجی که امر اشرفِ اعلی صادر شده و جزم کردن به یکی از این مذاهب در نهایت اشکال است. لیکن آنچه به فهم ناقص این بی‌بضاعت، قدری ظاهرتر و به حق نزدیک‌تر می‌نماید و اعتراضات بر آن کمتر وارد می‌آید، ... که معمول و متعارف است در این زمان، و ... در زمان **سلطان ملک‌شاه** به حسب ظاهر شایع شده است ... و در میان اهل فرس، نوروز بودن آن روز، قدیم بوده و پیوسته تعظیم آن روز می‌نموده‌اند (خاتون‌آبادی، ۱۲۵۹، ملی: ب ۵)

باوجود این نگاه نقادانه، نهایتاً خاتون‌آبادی نیز روایت معلی بن خنیس را تکیه‌گاه سخن خویش قرار داده و آورده است که:

ای معلی! به درستی که روز نوروز، روزی است که پروردگار - تعالی شأنه - در این روز عهد و پیمان گرفت از ارواح بندگان خود که او را به یگانگی عبادت کنند و شریکی برای او قرار ندهند و ایمان بیاورند به پیغمبران او و به امامان و اوصیای پیغمبران او و به ائمه‌ی طاهرین - صلوات‌الله علیهم اجمعین - و روز نوروز، اول روزی است که آفتاب طلوع کرده است ... و در این روز کشتی حضرت نوح - علیه‌السلام - بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است. و این، روزی است که پروردگار - جل شأنه - زنده گردانید جماعتی را که سی هزار کس بودند ... و در قرآن مجید به حکایت ایشان اشاره نمود در این آیه‌ی شریفه که: **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ** [آیا ندیدید آنهایی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزارها تن بودند، خدا فرمود که تمام بمیرید (همه مردند) سپس آنها را زنده کرد] و این روز، اول سال عجم است و در این روز، جبرئیل به حضرت رسول خدا - صلی‌الله علیه و آله - نازل شد و آن حضرت مبعوث به رسالت گشت. و در این روز، حضرت ابراهیم بت‌ها را شکست. و در این روز، حضرت رسول خدا - صلی‌الله علیه و آله -، حضرت امیرالمومنین را - صلوات‌الله علیه - بر دوش مبارک خود بلند کرد تا بت‌های کفار قریش را از خانه‌ی کعبه فرو ریخت (همان: ب ۷).

۵.۲ نقد نوروزنامه نویسان عصر صفوی بر تقارن نوروز با روزهای بزرگ شیعی به روایت معلی بن خنّیس

در روزگار صفویان نیز برخی از فقها، از جمله رضی الدین قزوینی (وفات ۱۰۹۶ ق) بر اساس محاسبات نجومی در صحت حدیث فوق تشکیک کردند. قزوینی در رساله نوروزنامه خود، آورده است که:

...آنچه از بعضی از محصلین نقل کرده، ... ظاهرالبطلان است، چه اطلاق لفظ نوروز بر آن، به هیچ اصطلاح متعارف نیست. ... قطع نظر از این مخالفت، با آنچه در صدر حدیث سابق مذکور شد که در این روز پیغمبر - صلی الله علیه و آله - عهد گرفت به غدیر خم جهت امیرالمومنین - علیه السلام - از روی حساب درست نمی‌آید... پس هیچ کدام نوروز معتبر شرعی که به نص حدیث، مطابق روز غدیر حجه‌الوداع بوده، نباشد. (قزوینی، ۱۴۱۸، ملی: ب-۵-۳)

علاوه بر او، دیگر فقیه روزگار صفوی میر محمدباقر خاتون‌آبادی (متوفی ۱۱۲۷ قمری) نیز از منظری نجومی حدیث را نقد کرده است. مساله اصلی خاتون‌آبادی تعیین روز نوروز است برای آن که بتواند اثبات کند اعمالی که در متن حدیث آمده لازم‌الاتباع است؛ از این رو، به شواهد نجومی متوسل شده و می‌آورد که:

در سال چهارصد و هفتاد و یک هجری... اول حمل را اصطلاح کردند که نوروز باشد، و قبل از آن زمان متعارف نبوده است که اول حمل را نوروز قرار دهند. پس چون می‌توانند بود که احادیثی که قبل از آن زمان از ائمه - صلوات الله علیهم - منقول باشد، مبتنی بر آن باشد ... غیر آنچه مذکور شد نیز اعتراضات و اشکالات در این مسأله هست و تفصیل و تحقیق آن‌ها مناسب نیست؛ با وضع این رساله‌ی مختصره، بر نهجی که امر اشرف اعلی صادر شده و جزم کردن به یکی از این مذاهب در نهایت اشکال است. (خاتون‌آبادی، ۱۲۵۹۹، ملی: ب-۵)

با این حال، خاتون‌آبادی هم‌زمانی نوروز با حلول آفتاب به برج حمل یعنی همین مبنایی که امروز نیز تداوم دارد را می‌پذیرد. به رغم نقد فقیهان شیعی عصر صفوی در باب هم‌زمانی نوروز با روزهای مورد عنایت شیعیان، دور از ذهن نیست که بتوان گفت، کارکرد هویتی نوروز در عصر صفوی، به بازآرایی فهم کهن از تقارن نوروز با روزهای بزرگ در فرهنگ ایرانی کمک کرد و در نتیجه هم‌نشین شدن تفسیر ساسانی از نوروز در روزگار پیش از صفویان شده است.

با این حال و همچنان که دیدیم، مقارن فرض شدن نوروز با روزهای خاص و سرنوشت‌ساز گرانیگاه نوروزنامه‌های روزگار صفوی است. از منظر این نوشتار، می‌توان گفت، به سبب هم‌نشین شدن نوروز با مفاهیم شیعی، مرحله دیگری از تطور معنای نوروز پدید آمده و به این ترتیب، گونه ایرانی نوروزنامه در افق گفتمان حاکم بر روزگار صفویان متحول شد. علاوه بر این موضوع، فقدان عناصر شاخص این متون و تلقی از تقارن نوروز با روزهای موثر در تقدیر تاریخی ایرانیان در دیگر نوروزنامه‌های نگاشته شده در دیگر حوزه فرهنگی نوروز (فرارودان)، فرض پدید آمدن گونه صرفاً ایرانی نوروزنامه‌نگاری را تقویت می‌کند.

۶.۲ روایت معلی بن خنیس نشانه تداوم و بازآرایی سنت‌های فرهنگی ایرانیان

در سطور بالاتر آمد که به رغم متون تالیف شده توسط تعدادی از علمای روزگار صفوی در باره همزمانی نوروز با روزهای مهم شیعی، برخی از علمای روزگار صفوی آنرا با محاسبات نجومی ناسازگار می‌دانستند. در پیشینه پژوهش نیز آمد که حدیث شناسان روزگار معاصر در سندیت و مضمون روایت معلی بن خنیس تشکیک کرده و آن را از حیث همزمان تصور نمودن نوروز با روزهای مهم شیعی منطبق بر گاه‌شمار قمری مغایر دانسته‌اند (ن.ک: (جعفریان: ۱۳۷۶، ۲۱۰ و مدرسی: ۱۳۶۶، ۱۱۴ و ۱۱۵). از میان این حدیث شناسان، خالصی زاده این گونه نگرش را حاصل توطئه مجوسان و در اساس آن را سخنی مجوسی می‌دانست (خالصی زاده، ۱۹۵۷: ۱۶-۱۷). همچنین عبدالسلیم امیر، امکان این که این حدیث حاصل القاءات زرتشتیان جدیدالاسلام باشد را منتفی ندانست (عبدالامیر سلیم، ۱۳۴۹: ۴۳۶). سخن این است که به رغم این نقدها و تشکیک‌ها، همچنان سنت های نوروزی و خاصه تفسیر از نوروز تداوم یافت. برودل در «چهره‌های تمدن» می‌آورد که در هر دوره تاریخی نوعی جهان‌بینی بر ذهنیت جمعی غالب می‌شود، اما یادها و خاطره‌های جمعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (برودل، ۱۳۹۷: ۷۱). به دیگر سخن، به رغم گسست گفتمانی هر دوره تاریخی به نسبت به دوره پیشین، یادها و خاطرات جمعی در افق گفتمان جدید سر برمی‌آورند و تداوم می‌یابند. براین مبنا، فراتر از صحت روایی حدیث معلی بن خنیس که به درستی توسط حدیث شناسان مورد تشکیک قرار گرفته است، تداوم سنت و تفسیر از نوروز، نه حاصل «توطئه مجوسان» و نه برآمده از «القاءات زرتشتیات جدیدالاسلام»، که گواه پیوستگی و بازآرایی عناصر هویت آفرین تمدن ایرانی در روزگار صفوی است.

۷.۲ فقدان تصور تقارن نوروز با روزهای بزرگ در نوروزنامه‌های دیگر حوزه فرهنگی نوروز

به رغم اهمیت نوروز در خارج از مرزهای سیاسی ایران و احتمال در دسترس بودن روایت آثارالباقیه از تفسیر نوروز، در نوروزنامه‌های موجود در این بخش از جغرافیای فرهنگی نوروز که کهن‌ترین نسخه در دسترس آن همزمان با روی کار آمدن آخرین پادشاه صفوی یعنی به سال ۱۰۷۷ تحریر شده است، همزمان تصور کردن نوروز با روزهای سرنوشت‌ساز تاریخی به صورتی که در متون مورد استناد پیشین آمد، به چشم نمی‌خورد. به دیگر سخن، با بررسی نسخی از نوروزنامه‌هایی که در فرارودان درباره نوروز نوشته شده‌اند، در می‌یابیم که آن نوروزنامه‌ها فاقد تفسیر یا قرائت‌های مشابه با نوروزنامه‌های عهد صفوی و پیشا صفوی است.

بررسی چند نسخه در دسترس از نوروزنامه‌های نوشته شده در فرارودان، نشان می‌دهد تمامی آنها منسوب به محمد بن علی حکیم ترمذی است که بنا به روایتی در قرن سوم هجری می‌زیست. ناگفته نماند که کوشش برای یافتن نوروزنامه‌ای که تاریخ تحریر آن نزدیک به روزگار محمدعلی ترمذی باشد، به نتیجه نرسید و به ناچار به نسخه‌های یافته شده تا امروز تکیه شد. این متون، حاوی نوعی از پیشگویی متناسب با نجوم از روزگاران پیش و نتیجه‌گیری از تقارن نوروز با یکی از روزهای هفته یا یکی از دوازده حیوان در نظام دوازده حیوانی است که حاصل روزگارغلبه مغولان است.

کهن‌ترین نسخه از نوروز نامه‌های فرارودی که در دسترس قرار گرفت، تاریخ تحریر آن به سال ۱۰۷۷ قمری یعنی همزمان با آغاز سلطنت آخرین پادشاه صفوی است. در این رساله آمده است که:

خواجehی امام، جمال‌الاسلام معنی‌الانام، محمد بن علی حکیم ترمذی - رحمه‌الله علیه - فرموده‌اند: من صد و بیست و پنج سال عمر یافتم و تجربه بسیار کردم تا علم نجوم را دریافتم و احکام افلاک را بشناختم و منازل آفتاب و ماه را معلوم کردم و ساعت و زمان و درجات و دقائق را دریافتم. و تجربه‌ی کل سال را از سعد و نحس و خیر و شرّ و نفع و ضرر بیرون آوردم و این کتاب را، نوروزنامه نام نهادم. و استخراج هر روز که نوروز شود، در آن سال چه باشد و چه دلیل کند، نوشتم. و این کتاب مشتمل است بر ایام سبعة، از یک‌شنبه تا شنبه. گفته شود که در هر سال، از حوادث دور چه حادث شود و در عالم سفلی از واقعه‌ی پادشاهان و بزرگان و عالمان و امراء و دهاقین و غله و فالیز و کشت و حال وحوش و طیور و مردان و زنان و خدمتکاران و کارفرمایان و مهتران و کهتران و

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه (حبیب اله اسماعیلی و جمشید نوروزی) ۲۱

بازرگان‌ها و حال شهرها و ولایت‌ها و برّ و بحر و غیر این، همه گفته شود
(ترمذی، ۳۶۸۷/۲: ب ۱)

دیگر نسخه از این نوروزنامه‌های منسوب به ترمذی، به سال ۱۲۱۹ قمری تدوین شده‌است. محرر این متن نیز علی اکبر بن ملاحسن است. وی می‌آورد که:

اندر این عمری که مرا بوده ... نوروزها تجربه کردم. از بهر نفع خلائق خاصّه از منافع دهقانان و خداوندان کشت و زراعت تا بدانند که کار ایشان بر چه منوال خواهد بود و ارتفاع هر درختی چه بیش و چه کم، چه عزیز و چه خوار، و احوال کوه و بیابان از سرما و گرما و برف و باران و احوال سلطانان و لشکریان و جنگ و جدال و احوال رعیت و تنگی و فراخی نعمت، و در احوال تری و خشکی، و در احوال گرانی و ارزانی اجناس و نرخ و نوا و احوال گوسفند و گاو و شتر و اسب چگونه خواهد بود و در آن سال، حال بزرگان چگونه باشد، یک یک را در این رساله درج کردیم و بیان نمودیم تا هر کس به این عمل کند، آن را به تقویم احتیاج نباشد زیرا که تقویم را سالی یک بار به عمل توان آورد و آن هم بعضی راست و بعضی خلاف او شود و این رساله، هرگز منسوخ نگردد. (علی اکبر بن ملاحسن، ۱۴۸۷-۵: ب ۴)

متن دیگرعنوانش: نوروزنامه خواجه عبدالحکیم ترمذی است کاتب این متن، محمد شریف بخاری بن داملا دولت محمد بدخشانی است و به سال ۱۲۴۶ تحریر شده‌است. این رساله نیز، احکام تقارن نوروز با روزهای هفته را از یکشنبه شروع و به شنبه ختم کرده‌است. بخش دوم این رساله، با عنوان «احکام سال‌نامه از خواجه عبدالحکیم ترمذی»، بر اساس نظام دوازده حیوانی درباره اوضاع سال پیش‌بینی‌هایی کرده است. (بدخشانی، ۳۶۴: ب ۱-۱۲)

همانطور که دیدیم، فصل مشترک نوروز نامه‌های نوشته شده در فرارودان به مثابه بخشی از جغرافیای فرهنگی نوروز در اهمیت دادن به نوروز و نقش آن در حیات اجتماعی است. در اهمیت نوروز در این عبارات و مفاهیم مرتبط با آن، در نسخ متعدد نوروزنامه ترمذی جاری است. نکته مهم این که در متن منسوب به ترمذی، نشانه شاخص گفتمان غالب بر حوزه سیاسی ایران عهد صفوی در مورد نوروز یعنی «تقارن آفرینش و جمشید و دیگر رخدادهای موثر بر سرنوشت بشر» به چشم نمی‌خورد. این تفاوت علاوه برآن که تاثیر گفتمان غالب بر یک حوزه سیاسی در تفسیر از نوروز را نشان می‌دهد، گواه دیگری است که می‌توان از وجود گونه ایرانی نوروزنامه در جغرافیای فرهنگی نوروز سخن به میان آورد.

۳. نتیجه‌گیری

این تحقیق، نشان داد که می‌توان از تطور تفسیر از نوروز در ادوار مختلف تاریخی و همچنین تفاوت فهم از آن در افق‌های متفاوت جغرافیای فرهنگی نوروز سخن به میان آورد. دیگر نکته این که تفسیرهای متفاوت از نوروز به واسطه گفتمان متفاوت نیز فراهم می‌شود. برای تشریح این سخن، شواهد تطور تفسیر از نوروز در گذر اعصار و در افق گفتمان غالب بر هر دوره تاریخی ارائه شد. نمونه‌ای از تفاوت تفسیر از نوروز به تاثیر از جغرافیای فرهنگی نیز آمد. گرانیگاه نوشتار بالا، مقایسه متونی از روزگار ساسانی، دوره خلافت عباسی و عهد صفویه، فارغ از افق اعتقادی هر کدام بود؛ این سه متن، هم‌زمانی نوروز با روزهای بزرگ موثر در تقدیر تاریخی ایرانیان را بیان می‌کند. از جمله موارد فرض شده در این متون، نوروز سرآغاز آفرینش و به مثابه زمانی قدسی است. در هر سه نمونه متن، علاوه بر تاکید بر بنیان نهادن نوروز توسط جمشید، از رخدادهای متعددی سخن به میان آمده که نشانه تحولات موثر بر سرنوشت عالم و آدم در گذشته و آینده است یا مقارن با نوروز امکان وقوع دارد. فصول مشترک تفسیر از نوروز در متون پیشااسلامی، اسلامی و روزگار صفویان، تقارن آغازین روز آفرینش با نوروز و بنیان نهادن نوروز توسط جمشید است. در متون روزگار پیشا صفوی و صفوی مفاهیم اسلامی و نکاتی برآمده از متون تفسیری متأثر از کتاب مقدس و در متون عهد صفوی عناصر متأثر از جهان‌نگری شیعی به چشم می‌خورد. در حالی که در نوروز نامه‌های تالیف شده در خارج از جغرافیای سیاسی ایران عهد صفوی، هیچکدام از این عناصر رویت نشد. برخی از شواهد این ادعا، در جدول زیر درج شده است:

روزهای مقارن با نوروز به روایت رساله «ماه فروردین روز خرداد»	روزهای مقارن با نوروز به روایت بیرونی در آثارالباقیه و عجایب المخلوقات	روزهای مقارن با نوروز به روایت تعدادی از نوروزنامه‌های عهد صفوی
آغاز آفرینش	آغاز آفرینش	آغاز آفرینش
روز هرمزد	روز هرمزد	روز عهد و پیمان خداوند با بندگان
پیدایش کیومرث در جهان	پادشاهی کیومرث و آفرینش خلق [انسان]	خلقت آدم
سلطنت جمشید	پادشاهی جمشید	روز غدیر خم
	خلق عالم سفلی	نخستین طلوع خورشید

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه (حبیب اله اسماعیلی و جمشید نوروزی) ۲۳

دورکردن اهریمن	سوار شدن جمشید بر جن و شیاطین	شکستن بت‌ها توسط حضرت ابراهیم(ع) شکستن و زدودن بت‌های کفار قریش از خانه کعبه
آغاز پیامبری زرتشت	تجدید دین	بعثت پیامبر(ص)
کشته شدن دیو و اژدها توسط سام نریمان		کشتن ذوالنديه و غلبه حضرت علی(ع) بر خوارج نهروان
بی‌مرگ شدن جهان	زنده شدن عسکره بنی اسرائیل با ریختن آب بر استخوان آنها	زنده شدن گروهی از مردگان با ریختن آب بر استخوان آنها
ظهور بهرام ورجاوند ظهور سوشیانت	احیای سلطنت سلیمان	ظهور حضرت حجت(عج) پیروزی بر دجال
رستاخیز		
کشتن افراسیاب و تعیین مرز توسط آرش تقسیم جهان توسط فریدون کین خواهی ایرج از تور		

افزون بر این و همان گونه که در ابتدای سخن آمد، محققان علوم حدیث در صحت روایت معلی ابن خنیس تردید جدی دارند و به احتمال زیاد، مفاد این حدیث با کلام امام معصوم(ع) سازگار نیست. گرچه این سخن از منظر اعتقادی شایسته تأمل است، لیکن این تأمل در روایت از منظر تداوم سنت‌های فرهنگی و تاریخی در دوره‌های مختلف، گواه دیگری از کوشش صفویان در بهره‌گیری از ذخایر فرهنگی ایرانیان و بازآرایی سنت‌ها و احیای هویت ملی ایران ذیل گفتمان شیعی است. حاصل این فرایند، تولید متنی متناسب با گفتمان غالب است که به هم‌نشینی دو رویکرد مختلف و زایش گونه صفوی نوروزنامه‌های ایرانی منجر شد، نوروزنامه‌هایی که با متون پیش از خود و دیگر نوروزنامه‌های منتشره در حوزه فرهنگی نوروز متفاوت است. این تفاوت را می‌توان به تفاوت جغرافیای سیاسی و گفتمان غالب بر هر دوره تاریخی نسبت داد.

کتاب‌نامه

ابن اثیر، علی بن محمد(۱۳۷۱). تاریخ کامل. مترجم: ابوالقاسم، حالت. علمی. تهران

۲۴ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- ابن بلخی (۱۳۷۴). فارس‌نامه ابن بلخی، تصحیح منصور رستگار فسایی، بنیاد فارس‌شناسی، شیراز
- اسکندر منشی. (۱۳۱۴.ق) تاریخ عالم آرای عباسی. دارالطباعة آقا سید مرتضی. تهران
- برودل. فرنان (۱۳۹۷). چهره‌های تمدن. ترجمه: کاظم فیروزمند. نسل آفتاب. تهران
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۱). آثار الباقیه عن قرون الخالیه. ترجمه: اکبر دانا سرشت امیر کبیر. چاپ: تهران
- چاپ: پنجم
- بیرونی، ابوریحان (بی تا). التفهیم لاوایل صناعه التنجیم. تصحیح: جلال الدین همایی. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- اورعی قدیری، مریم، قنوت، عبدالرحیم (۱۴۰۰). بررسی نوروزنامه‌ها در عصر اسلامی. دو فصلنامه علمی تاریخنگری و تاریخنگاری دانشگاه الزهراء (س). دوره جدید، شماره ۲۷. پیاپی ۱۱۲. ص: ۲۱۱-۲۳
- امینی، ابراهیم بن میرجلال‌الدین (۱۳۸۳). فتوحات شاه‌ی. مصحح: محمدرضا نصیری. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- بشیری، محمود (۱۳۸۵). راز ماندگاری عید نوروز در دوره ایران اسلامی، علوم ادبی. سال اول پاییز. شماره ۱
- بهار. محمد تقی. (۱۳۷۹) ترجمه چند متن پهلوی. به کوشش محمد گلبن. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. تهران
- تتوی. احمد بن نصر الله. (بی تا) تاریخ الفی. [بی نا]. [بی جا].
- تفضلی، احمد (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار. سخن، تهران
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد، شاهنامه ثعالبی در شرح احوال سلاطین ایران، اساطیر، تهران
- الجاحظ البصری، ابی عثمان عمرو بن بحر (۱۳۲۴.ق). المحاسن والاضداد. مطبعة الصحافه. قاهره
- جاماسب جی. دستور، جی. جاماسب آسانا (۱۳۹۳). متون پهلوی گزارش سعید عریان، گردآورنده: کتابخانه ملی، تهران
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶). نوروز در فرهنگ شیعه. نامه مفید. شماره ۹، ص: ۲۰۱-۲۲۰
- حکیم عمر خیام نیشابوری (۱۳۸۵). نوروزنامه. تصحیح و تحشیه مجتبی مینوی. انتشارات اساطیر، تهران، چاپ دوم
- حکیم ترمذی، خواجه محمد بن علی (۳۶۸۷/۲). نوروزنامه. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- خالصی زاده محمد مهدی (۱۹۵۷). النیروز. الکاظمیه. بغداد. مطبعة المعارف
- خراسانی محمد جواد (۱۳۶۰). تاریخچه نوروز. قم. انتشارات شهید
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۱)، أخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران

تطور تاریخی تفسیر نوروز تا پایان دوره صفویه (حبیب اله اسماعیلی و جمشید نوروزی) ۲۵

- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۸۳) دیباچه شاهنامه ابومنصوری. نامه انجمن. بهار ۱۳۸۳.
- زرشناس، زهره. جعفری، محسن (۱۳۹۱). نوروزیه و نوروزیه نویسی در عصر صفوی. جستارهای تاریخی سال سوم پاییز و زمستان. شماره ۲، پیاپی ۶. ص: ۶۵-۸۸
- زرین کوب. روزبه (۱۳۸۶) گزارشی کهن از مراسم نوروز در عصر ساسانیان. بخارا. شماره ۶۰، ص: ۱۹۰-۱۹۲
- زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۵) بازخوانی سند نوروز در روایات اسلامی مطالعه موردی: روایت مُعَلّی بن خُنَیس. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، زمستان دوره ۷. شماره ۲۵، ص: ۲۹-۴۴
- سلیم، عبدالامیر (۱۳۴۹) نوروز در کتابهای مذهبی شیعه و بررسی ریشه‌های آن. زبان و ادبیات فارسی. زمستان شماره ۹۵-۹۶
- شاهنامه‌ی فردوسی (۱۳۶۶) تصحیح جلال خالقی مطلق. جلد یکم. نیویورک.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، جلد: ۹، ص: ۲۱۸، [بی نا]، بیروت - لبنان
- طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳۷۲) سیاست‌نامه، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ دوم
- علی اکبر (۱۴۸۷-۵) نوروزنامه. کتابخانه ملی ج.ا. ایران
- قزوینی، یحیی بن عبداللطیف (۱۳۸۶) لب التواریخ، تصحیح: میرهاشم محدث، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران
- کرستن سن، آرتور امانویل (۱۳۶۸) ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. دنیای کتاب، تهران
- گردیزی (۱۳۶۳). ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود. زین الاخبارگردیزی. تصحیح: عبدالحی حبیبی. دنیای کتاب. تهران.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۲). مروج الذهب و معادن الجواهر. مترجم: ابوالقاسم پاینده. علمی و فرهنگی. تهران
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ. مترجم: محمدرضا شفیعی کدکنی. آگه. تهران.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (بی تا). اختیارات. تهران. کتابفروشی اسلامیة
- محمد حسین طهرانی (۱۳۹۴). نوروز در جاهلیت و اسلام. تهران. مکتب وحی
- محمد شریف بخاری بن داملا دولت محمد بدخشانی (۳۶۴) احکام نوروزنامه، آکادمی شرقشناسی جمهوری تاجیکستان
- قزوینی، ذکریا بن محمد (۱۳۹۰). عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات. به کوشش: یوسف بیگ باباپور، مسعود غلامیه. قم. مجمع ذخایر اسلامی
- قزوینی، رضی الدین محمد (۱۴۱۸) رساله نوروزیه. کتابخانه ملی ایران.

- محمدباقر بن اسماعیل اصفهانی حسینی خاتون‌آبادی (۱۲۵۹۹) کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران
رازی، محمدتقی بن محمد رضا (۳۵۱۱). کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران
المختاری، رضا (۱۳۹۵)، حدیث النوروز فی کلام العلامة ابن فهد الحلّی. کتاب شیعه. شماره ۱۳ و ۱۴،
ص: ۴۴-۴۹
- مدرسی، سید جواد (۱۳۶۶) نوروز در تاریخ و اسلام. نشریه نور. شماره ۲۰، ص: ۱۰۳-۱۱۵
مردوخ، دل‌آرا (۱۳۹۸) نوروز یا آغاز سال مالی در ایران دوره میانه. جامعه‌شناسی تاریخی.
دوره ۱۱، شماره ۱
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۸۲) مروج الذهب. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. علمی و فرهنگی. تهران
مقدس، محمدبن طاهر. (۱۳۷۴) آفرینش و تاریخ. ترجمه شفیعی کدکنی. آگه. تهران. چاپ اول
مهریزی، مهدی. (۱۳۷۹) نوروز در روایات اسلامی. فصلنامه‌ی «علوم حدیث»، شماره ۱۵، ص: ۲۹-۴۴
میرخواند، محمد بن خاوند شاه (۱۲۷۰ ق). روضة الصفا. [بی نا]، [بی جا] - [بی جا]
- میری، وجیهه. پیرمردیان، مصطفی (۱۳۹۸). تحلیل تاریخی مقارن سازی جشن نوروز و غدیر در عصر
صفوی. دوره ۱۳، شماره ۳۰، ص: ۴۹-۶۹
- واله اصفهانی، محمد یوسف، خلد برین (۱۳۷۲)، به کوشش: سید میرهاشم محدث، بنیاد موقوفات دکتر
محمود افشار. تهران